

آشنایی با فلسفه اسلامی

- ۱- فلسفه را تعریف کنید
- ۲- فلسفه مدرن را تعریف کنید
- ۳- شاخه های تخصصی فلسفه را نام ببرید و یک مورد را توضیح دهید
- ۴- ما بعد الطبیعه را تعریف کنید
- ۵- منظور از لحظات حیرت چیست
- ۶- اهای منطق و فلسفه بین محمول و رابطه در نظر گرفتند آن را شرح دهید
- ۷- عرفان را تعریف کنید و بگویید به چند دسته تقسیم می شود
- ۸- در دیدگاه عقلی هدف از زندگی چیست
- ۹- در دیدگاه مارکسیسم هدف از زندگی چیست
- ۱۰- تفاوت بین روان خودآگاه و ناخودآگاه را شرح دهید .

جواب

- ۱- ارسطو می گوید فلسفه علم موجودات است . از آن سو که وجود دارند کانت می گوید فلسفه شناسایی عقلانی است که از راه مفاهیم حاصل میشود افلاطون می گوید فلسفه لذت گرایی است خاستگاه فلسفه شگفتی در برابر جهان است هربالت می گوید فلسفه تحلیل معانی عقلانی است

۲- یک روش سیال و متغیر است در مطالعه پدیده ها و افکار. فلسفه و بسیاری از رشته های فرعی تقسیم می شود مثل شعر معرفت شناسی منطق متافیزیک

۳- فلسفه زبان- فلسفه حقوق- فلسفه ذهن- فلسفه دین- فلسفه علم
فلسفه دین: به بررسی ماهیت دین خدا دعا وحی و موضوعاتی اینچنین که مربوط به دین می شود می پردازد

۴- یعنی علم به احوال موجودات از جهت وجود داشتن آنها- قلمرو به فلسفه پهنه قسمت بی پایان هستی است بر خلاف علوم دیگر که هر کدام به چهره خاص از اشیا و موجودات می پردازد فلسفه با بود و نبوده اشیا کار دارد

۵- به آن لحظاتی گفته می شود که انسان هر چند به طور موقت و آنی از اشتغالات روزمره و دلمشغولی ها رها میشود و حجاب عادت را از جلوی چشمان خود را کنار می زند و در برابر هستی و وجود دچار بهت و حیرت می شود.

۶- ۱ رابطه وجوبی رابطه ای است که حتمی و واجتناب ناپذیر است. یعنی عقل خلاف آن را قبول نمی کند- ۲ رابطه مکانی است رابطه ای است که عقل نه ناگزیر به قبول آن است و نه ناگزیر به انکار آن یعنی محمول می تواند بر موضوع حمل شود یا نشود. ۳ رابطه ای که در آن محال است محمول بتواند بر موضوع حمل شود

۷- در اصطلاح به معرفت شهودی خداوند که از طریق تهذیب نفس و صفای باطن می شود عرفان می گویند انسان دارای دو بعد است عرفان نظری و عرفان عملی

۸- در این روش تعیین هدف زندگی با سعادت انسان ریشه در نگرشی دارد که عده ای از اندیشمندان با به کارگیری فلسفه و منطق و عادت را تعریف کرده اند که به فعالیت عقلانی توأم با عالی ترین و کامل ترین مسائل در تمام عمر. آنها استدلال می کنند که فضیلت ملکه ای است که منحصراً موقوف به اداره ماست این روش بعدها مورد

استفاده و کاربرد حکمای ایرانی مثل ابوعلی سینا ملاصدرای شیرازی قرار گرفت . با تعریف از سعادت می توان تکلیف تمامی امور زندگی انسان را مشخص کرد

۹- از دیدگاه مارکسیسم که خود را پرچمدار و رهایی بر دگرگونی سرشت انسانی می دانست زندگی هدفی است در خود یعنی بالا بودن سرشت آدمی هدفی در خود است مارکسیسم نوع تلاشی را برای گشودن معضل زندگی بی ثمر می داند مگر این که متکی باشد به مطالعه جامع علمی مردمی رفتاری زیستی وجود انسانی و دگرگونی آدمی در رابطه با تکامل زندگی و رابطه او با این سیاره خاکی و همه عالم هستی از دیدگاه مارکسیسم افراد و شخصیت ها نه به عنوان وجود کردی بلکه به عنوان بخشی از کل مورد شناسایی قرار می گیرد

۱۰- روان خودآگاه یعنی قسمتهایی از روح و روان ما که وجود آنها را در خود درک میکنیم و از وجود آن آگاه هستیم و احساس میکنیم مثل غم – اندوه – تفکر

ناخودآگاه از جسم و روان است و ما از وجود آن آگاه نیستیم و بطور آگاهانه آنرا درک نمیکنیم اما فرمان میدهد و خودآگاه فرمان را میپذیرد .